



بازتاب اندیشه 31

<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/579/order/3>

اندیشمندان مسلمان و قرایت اسلامی از جهانی شدن

سید عبدالقیوم سجادی
پگاه حوزه، ش 69

چکیده: در باب جهانی شدن دو دیدگاه وجود دارد که یکی آن را طرحی غربی می داند و دیگری آن را روندی طبیعی و تاریخی به شمار می آورد. در این مقاله به پنج دیدگاه از متفکران جهان اسلام اشاره شده است که هر کدام در یکی از دو دیدگاه پیش گفته جای می گیرند.

هرچند جهانی شدن از مقوله های مهم و مطرح در مجامع علمی و آکادمیک جهان اسلام است، تاکنون جهان اسلام پاسخی یکدست به این مقوله نداشته است. هرکدام از اندیشمندان مسلمان از زاویه های متفاوت به طرح و بررسی این مقوله پرداخته اند. در اینجا پاسخ های اسلامی به جهانی شدن را از منظر اندیشمندانی اسلامی، نظیر دکتر حنفی، ابوریع، برهان غلیون، دکتر نصر و دیگران، مرور خواهیم کرد:

1. محمدابراهیم ابوریع
پایان جنگ سرد به معنای پیروزی نهایی غرب و تثبیت نظام جهانی بر اساس نظم تک قطبی به شمار نمی آید. امروز مقاومت هایی در برابر سلطه همه جانبه غرب در اشکال گوناگون سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی وجود دارد که از موفق نبودن نهایی برندگان جنگ سرد خبر می دهد. «جهانی شدن از این منظر چیزی بیش از توسعه اقتدارگرایانه منطق سرمایه داری در ابعاد مختلف حیات بشری نیست». «جهانی شدن به مفهوم گسترش منطق سرمایه داری» است. ابراهیم ابوریع که از محققان مسلمان و استاد حوزه مطالعات اسلامی- مسیحی است، ضمن تأکید بر ضرورت آرایه پاسخی اسلامی به جهانی شدن، روشن فکران مسلمان را به اتخاذ نگرش انتقادی نسبت به این مقوله فرا می خواند. ابوریع خود پاسخی سه مرحله ای در مقابل جهانی شدن مطرح می کند:

1. بازسازی ابعاد تجویزی و تشریحی اسلام، با توجه به نفی اقتدارگرایی موجود در جهان اسلام. روشن فکران مسلمان می توانند با بازسازی شریعت اسلامی، روح مساوات طلبی و آزادی خواهی اسلامی را به جوامع مسلمان و جامعه بشری عرضه دارند.

2. نگاه تاریخی به تحولات سیاسی، فلسفی، اجتماعی و اقتصادی غرب. نویسندگان در اینجا، از منظری تاریخی، مشکل اسلام با جهانی شدن را تکرارگفتمان رایج روابط اسلام و مدرنیته تلقی می کند.

3. اصلاح سیستم آموزشی در جهان سوم، به ویژه کشورهای اسلامی. سیستم آموزشی در این کشورها کاملاً غیربومی و متناقض با فرهنگ اسلامی است؛ آموزش در این کشورها با هدف غربی سازی برنامه ریزی می شود و در اغلب این کشورها، سیستم

آموزشی، بیشتر فرزندان، و نه توده ها، را تحت تربیت و آموزش می گیرد. پیشنهاد ابرویع اصلاح آموزش و سیستم آموزشی در کشورهای اسلامی است؛ به گونه ای که نظام آموزشی، پیش از هر چیز، به تقویت فرهنگ اسلامی، فرهنگ سازی جدید در چارچوب باورهای دینی و ضرورت های عصر جدید بیندیشد. با تعمیق فرهنگ بومی، می توان از استحاله فرهنگ دینی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ سرمایه داری جلوگیری کرد. به نظر ابرویع، پاسخ اسلامی به جهانی شدن نمی تواند یک پاسخ بیرونی باشد، بلکه مسلمانان با ورود در گردونه جهانی شدن، بهتر می توانند از موضع دینی با این پدیده مواجه گردند.

2. دیدگاه دکتر نصر

در مباحث آقای نصر و دیگر همکاران، پرسش از نسبت اسلام و مدرنیته به پرسش از رابطه اسلام و جهانی شدن نیز می پردازد. دکتر نصر پاسخ اسلامی به تجدد را در دو مرحله مطرح می کند.

1. شناخت غرب. ضرورت شناخت غرب از نظر دکتر نصر، نخستین و مهم ترین گام در رویارویی با تجدد است. «امواج آرا و ارزش های غربی همچنان بی وقفه، از طریق رسانه های جمعی و سایر طرق انتقال اطلاعات، به طرف جهان اسلام سرازیر است. اما آنچه موجود نیست، اطلاع درباره غرب و درک روشن اندیشه های فکری. فرهنگی غرب از نقطه نظر اسلامی است، و تنها چنین معرفتی می تواند ابزارهای ضروری برای مواجهه و مقابله با معارف غرب جدید و تدارک پاسخ اسلامی بدان را در اختیار مسلمانان قرار دهد.»

2. تعمیق بینش دینی. تقویت و استحکام مبانی فکری، و تقویت ایمان دینی جوان مسلمان در برابر تعارضات و نقاط چالش آور غرب، مرحله دوم از پاسخی است که مورد تأکید و توجه دکتر نصر قرار می گیرد. در این راستا، تقویت ایمان دینی و استحکام اعتقاد جامعه اسلامی به مبانی دینی اهمیت جدی دارد.

3. ماهاتیر محمد

«لازم نیست که جهانی شدن به معنای داشتن جهانی بدون مرز باشد؛ مرزها می توانند همچنان سر جای خود باقی بمانند و باید همچنان مورد احترام نیز باشند. اما با فن آوری مدرن، اطلاعات به همه اشکال خود می توانند بدون هیچ محدودیتی از مرزها بگذرد. اما مسلمانان می توانند نرم افزارها و حتی سخت افزارهایی بسازند که دست کم برخی از عناصر ناپاک را از این اطلاعات دور نگاه دارد.»

«زندگی، از هر جنبه ای مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت، اذهان ما اشغال خواهد شد و حتی دین ما به اشغال در خواهد آمد.» اما مسلمانان در برابر چنین وضعیت خطیری چگونه می توانند رفتار نمایند؟ به نظر ماهاتیر محمد، مسلمانان باید بکوشند روند جهانی شدن را درک کنند و با این درک خود را آماده سازند که نه تنها خطرها را از خود دور نمایند، بلکه از روند جهانی شدن برای رسیدن به کشورهای توسعه یافته، هم در فن آوری اطلاعات و هم در توان صنعتی، بهره گیرند.

4. دیدگاه دکتر حسن حنفی

به نظر حسن حنفی، جهانی شدن مقوله ای صرفاً نظری نیست، بلکه برخورد تاریخی میان مرکز و پیرامون، میان کشورهای ثروتمند و فقیر، میان استعمار و آزادی خواهی، میان سلطه جویی و استقلال، و بالاخره میان شمال و جنوب است. وی تأثیر رخدادهای تاریخی بر شکل گیری فرآیند جهانی شدن را با استناد به این نکته روش شناختی متدولوژیک مستدل می نماید که «تیوری و نظریه ای محض، بدون آن که فعل سیاسی و حرکت تاریخ جزیی از عوامل تشکیل دهنده آن باشد، وجود ندارد.» بنابراین به نظر دکتر حنفی، جهانی شدن مقوله ای جدید نیست، بلکه یکی از اشکال جدید سلطه و برتری طلبی نظام جهانی است. ایشان، در جای دیگر، جهانی شدن را مساوی با اروپایی شدن عنوان می کند. حنفی جهانی شدن را یک فرآیند فراگیر و همه بعدی می داند که با آثار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هویتی همراه است: در بعد اقتصادی، توسعه تجارت آزاد و دست یابی به بازارهای جهان سوم و تأمین مواد خام نفتی و غیرنفتی از این کشورها مورد توجه است؛ در بعد سیاسی، مهم ترین هدف جهانی شدن، ترویج لیبرالیسم سیاسی است؛ اما در این میان به نظر حنفی، بعد هویتی جهانی شدن اهمیت جدی تری دارد. به نظر حنفی، از آنجا که فرهنگ مربوط به تمدن، زبان و قوم تاریخ کشورهاست، از یک فرهنگ عام و جهانی و فراگیر نمی توان یاد کرد. بنابراین جهانی شدن فرهنگ، به مفهوم حاکمیت یک فرهنگ خاص بر جوامع بشری، در عمل ممکن نخواهد بود.

آقای حنفی بر استراتژی دفاع از هویت محلی و فرهنگ دینی در برابر فرهنگ غربی به عنوان مظلوف جهانی شدن تأکید می کند. ولی معتقد است دفاع از فرهنگ و هویت خودی در برابر جهانی شدن، نایستی به مفهوم رفض و نفی مطلق جهانی شدن تلقی گردد؛ زیرا این امر به قول حنفی، تصحیح خطا به خطاست. نویسنده در ادامه، استراتژی دفاع از هویت محلی و فرهنگ خودی را به صورت تدریجی در سه مرحله مطرح می کند:

1. بازگشت به سنت های فرهنگی؛ به گونه ای که این سنت های فرهنگی از منظر ضرورت های جدید بازخوانی گردند و مواردی

که با تحولات زمانه و نیازمندی های عصر ناسازگار است، تصحیح شود. به قول نویسنده، «تراث قدیم» راهنمای اساسی برای فرهنگ بومی است.

2. دفاع از هویت فرهنگی از طریق کاهش اتکای بر غرب و تقویت خودباوری. اگر در فرهنگ جهانی شدن، تکثر، تنوع، آزادی اعتقادی و فرهنگی وجود دارد، خود فرهنگ مسلط نیز می بایستی به نقض خود برآید؛ زیرا او خود ناقض اصولی است که آن ها را تبلیغ می کند.

3. تعامل دوسویه فرهنگ بومی با فرهنگ مسلط. مشکل اساسی نظریه حنفی این است که تعریف خاصی از جهانی شدن ارائه نمی دهد. تلقی وی از جهانی شدن، کلیه ویژگی هایی را که در تفسیرها و رویکردهای مختلف برای جهانی شدن بیان شده، در برمی گیرد. او معتقد است جهانی شدن یعنی توسعه و گسترش اقتصاد آزاد؛ جهانی شدن یعنی سیطره مرکز بر عالم؛ جهانی شدن جدالی تاریخی است، و بالاخره جهانی شدن عنوانی است برای حرکت سیطره طلبانه آمریکا یعنی فروکاستن دنیا به دهکده واحد.

5. برهان غلیون

به نظر برهان غلیون جهانی شدن عبارت است از مرحله جدیدی از نظم جهانی که یک ویژگی اساسی دارد و آن انتقال علوم و سرعت انتقال است؛ به گونه ای که گویی همگان در جهان واحد و جامعه واحد زندگی می کنند. بنابراین فشرده شدن زمان و مکان، از ویژگی های جهانی شدن است که در اثر آن، هر نظریه عملی به سرعت در تمام جهان منتشر می شود و بر دیگر ملت ها تاثیر می گذارد یا از آنها تاثیر می پذیرد.

هرچند غلیون همانند برخی نویسندگان دیگر، مبنای اصلی و تکیه گاه مهم جهانی شدن را اقتصاد و حوزه تجارت جهانی می داند، اما همچنان به اهمیت جهانی شدن سیاست و فرهنگ توجه می کند. بنابراین وی در مورد جهانی شدن فرهنگ، عقیده دارد که جهانی شدن مربوط به انقلاب دانش و فن آوری ارتباطی است، و در راستای سیطره جماعتی بر دیگر جوامع عمل می کند. در نهایت، غلیون جهانی شدن را هرچند پدیده ای تاریخی می داند، اما منشا و خاستگاه آن را به نظام سرمایه داری پیوند می زند.

وی معتقد است فرهنگ عربی و اسلامی باید از طریق همراهی مشروط با جهانی شدن، به بدیل سازی فرهنگی در درون آن بپردازد و این امر هم اکنون باید اجرا شود و آن گونه که برخی می اندیشند، نباید تا لحظه ای که خلاصی و رهایی از هیمنه دولتی فرا رسد و زمینه های تغییر پدید آید، صبر کنیم. این زمینه ها را بایستی از طریق ورود در گردونه جهانی شدن فراهم ساخت. جهانی شدن نتیجه و محصول تطورات گوناگون تاریخی است. بنابراین استراتژی مقابله با آن- که جهانی شدن را نه یک فرآیند تاریخی بلکه محصول تلاش غرب برای سیطره بر نظام جهانی شدن می داند- دچار اشتباه تحلیلی و نظری است. به نظر او، جهانی شدن کاملاً یک پدیده منفی و زیان بار نیست، بلکه در برخی ابعاد، افق های جدیدی را برای جوامع بشری می گشاید؛ هرچند از برخی جهات نیز تهدیدهایی را ایجاد می کند. در این دیدگاه، درک تناقض های درونی جهانی شدن و آشکار ساختن جنبه های منفی و زیان بار آن و در نهایت، تفکیک فرصت های برآمده از محذورات، و تهدیدهای مبتنی بر آن، می تواند در برخورد منطقی و کارآمد با این مقوله کارآمد و مفید باشد. وی جهانی شدن را در این چارچوب مطالعه می کند؛ هرچند خود اذعان می کند که به دلیل هژمونیک شدن فرهنگ لیبرالیسم و کاستی های نظری فرهنگ عربی- اسلامی، این امر با دشواری های جدی روبه روست.